



بسم الله الرحمن الرحيم

فرع بیستم

مربوط به مقابله به مثل است. از مواردی که از حرمت سب استثناء شده است. در بعضی از موارد دیگر نیز این استثناء وجود دارد. این مورد در حالتی است که شخص مرتکب سب می‌شود لکن ابتدا به سب نمی‌کند بلکه در مقام مقابله به مثل سب می‌کند. حال محل بحث اینجا است که آیا این امر جایز است یا خیر؟

اقوال در مسأله

۱. مشهور مقابله به مثل در باب سب را جایز می‌داند.

۲. بعضی قائل به عدم جوازند.

قاعده مقابله به مثل

این بحث که آیا جایز است در پاسخ به سب انسان دشنام دهد یا جایز نیست مبتنی است بر قاعده کلی مقابله به مثل. البته دلیل خاصی در این بحث است که بنای ورود به این قاعده و بررسی مبسوط همه جوانب آن را نداریم. این قاعده، قاعده‌ای فقهی به شمار می‌رود که به طور جامع و منقح طرح نشده است و معمولاً به صورت پراکنده در ضمن مباحث دیگر از جمله عنوان سب طرح شده است.

اصل این قاعده با عنوان جواز مقابله به مثل در مواردی جایز است نظیر بحث قصاص که آیه «الْعَيْنُ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفُ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنُ بِالْأُذُنِ وَالسِّنُّ بِالسِّنِّ» (مائده/۴۵) دال بر این معناست. لذا فی الجمله این مقابله به مثل در فقه ثابت است و مصداق بارزش موارد قصاص در جوارح و اعضاء است.

حدود قاعده

آنچه مهم است این است که آیا قاعده‌ای کلی با عنوان جواز مقابله به مثل داریم که فراتر از بحث قصاص باشد؟ دامنه قصاص در اعضاء و جوارح و نفس و موارد مشخصی است که دلیل دارد «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/۱۷۹) و ادله روایی دیگر که مسلم است. بحث این است که ما قاعده عام‌تر و شامل‌تری داریم که هم موارد قصاص را بگیرد و هم موارد دیگری را از جمله مقام مقابله به مثل در بحث سب. یعنی می‌شود به آن نوعی قصاص گفت ولی نه قصاص به معنای مشهوری که در فقه آمده است. لذا دامنه وسیع‌تری دارد که در امثال سب و دشنام و ممکن است غیبت و امثال ذلک نیز وارد شود.



اقوال در شمول قاعده

اگر ملاحظه کنید در مصباح الفقاهه مرحوم خوئی می‌فرمایند که در دوره سابقه می‌گفتیم جواز مقابله به مثل قاعده‌ای نیست که بشود در باب سب و پاسخ دادن به سب به آن قاعده تمسک کرد. ولی بعد می‌فرماید این چیزی بود که ما در دوره سابقه می‌گفتیم ولی الان فکر می‌کنیم این مطلب درست است و مقابله به مثل جایز است و شامل مواردی مثل سب می‌شود. لذا سب ابتدائاً مانع داشت ولی استدامتاً مانعی ندارد. حساسیت مسأله اینطور است که مرحوم آقای خوئی در دوره اولی که این بحث را می‌گفتند آنطور می‌فرمودند که جایز نیست و جواز مقابله به مثل اینجا را شامل نمی‌شود ولی می‌فرمایند در این دوره ما از نظر سابقمان عدول کردیم. مسأله حساس و پیچیده است در حدی که در دوره بعد ایشان از نظر قبلشان عدول کرده‌اند.

این قول به مرحوم مقدس اردبیلی نسبت داده شده است و در آیات الاحکام ایشان آمده است. ایشان فرمودند در این آیه قاعده مقابله به مثل اعم است و شامل مواردی مثل سب و لعن و نفرین و امثال اینها هم می‌شود لکن برخی قبول ندارند مثلاً آقای مکارم در همین جا تصریح می‌کنند که قاعده عموم و شمولی ندارد.

اقوال قائلین به جواز

ظاهر نظر مرحوم مقدس اردبیلی و مرحوم خوئی: در مقام مقابله به مثل حرمتی وجود ندارد. یعنی این امری که لو خلی و نفسه حرام بود در مقام مقابله به مثل هست جایز می‌شود.

ظاهر کلام مرحوم علامه مجلسی در بحار که در کتاب نورالفقاهه نیز مطرح شده این است که می‌فرمایند حکم حرمت وجود دارد لکن و از باب امتنان عقاب از این حکم برداشته شده است. یعنی عمل حرام است ولی شارع مؤاخذه را برداشته است نه اینکه حکمی نباشد.

مستندات قاعده

آیه

«الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره/۱۹۴)



مدلول آیه

«فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» آیه در مقام بیان این مطلب است که قتال در ماه‌های حرام و در مکه حرام است. بعد می‌فرماید ولی اگر کسانی ابتدای به جنگ کردند در مقام دفاع و مقابله به مثل، قتال جایز می‌شود ولو اینکه در ماه حرام نمی‌شد ابتدا به جنگ کرد.

آیه بعد از «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ» قاعده‌ای کلی را بیان می‌فرمایند «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ» یعنی کسی که به شما تجاوز و تعدی کرد و ظلمی متوجه شما شد، شما می‌توانید همان را مقابله به مثل کنید.

نکات آیه

۱. بیان تعلیل

«فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» قاعده‌ای عام است که در حقیقت مستند حکمی می‌شود که قبلاً آمده است و در واقع نوعی تعلیل است. مورد این است که قتال در ماه حرام جایز نبوده است ولی اگر کسانی قتال در شهر حرام را شروع کردند شما هم می‌توانید در مقام پاسخ در ماه حرام اقدام به جنگ کنید.

۲. قاعده عمومی

عبارت من اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ در حقیقت به منزله ضرب القاعده و ارائه قاعده‌ای عمومی است که در مقام پاسخ به تجاوز در همان اندازه که تجاوز شده است. این قاعده عمومی فراتر از مورد قتال در ماه حرام است. «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» قاعده عمومی است که حکم قبل را مستند به این قاعده کلی می‌کند.

۳. حکم مقابله

در این آیه و آیات بعد با دقت در تعبیر «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ»، معلوم می‌کند که اعتدای از عدا آمده است که به معنای تجاوز، ظلم و عبور از خط قرمزها و محدوده‌های تعیین شده است. لذا آن کسی که شروع می‌کند «اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» واقعاً مرتکب ظلم و تجاوز شده است. اما در مقام مقابله فرض این است که آیه می‌خواهد بگوید جایز است. تعبیر به اعتدا در مقام مقابله و پاسخ و اینکه آیه می‌خواهد بگوید جایز است و می‌فرماید «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ» یعنی شما تجاوز به او کنید به اندازه‌ای که به شما تجاوز کرده است می‌گویند از باب مشاکله است که نوعی صنعت ادبی است.